

راهبردهای سیاسی ائمه(ع) برای حفظ و ارتقای جامعه شیعی در رویارویی با حاکمان هم عصر

سید احمد دارستانی^۱

منصور داداش نژاد^۲

محمد جاودان^۳

چکیده

در اندیشه اعتقادی شیعه، مهم‌ترین رسالت امام معصوم (ع)، رهبری و هدایت امت اسلامی است. اما محدودیت‌های شدید توأم با اختناق و خفقان حاکمان هم عصر، مانع از هدایت آزادانه جامعه توسط ائمه(ع) شد. این مقاله به این سوال مهم پرداخته که با این محدودیت، ائمه(ع)، چگونه به رسالت هدایت مردم عمل می‌کردند؟ هدف از این پژوهش، شناخت راهبردهای سیاسی ائمه برای حفظ و ارتقای جامعه شیعی است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امامان دو گونه راهبرد را اتخاذ کرده‌اند. راهبردهای دائمی مانند حفظ هویت شیعی، انسجام جامعه شیعیان، تعلیم معارف به شیعیان، مخالفت با حکومت غاصب و مدارا است. و راهبردهای اقتضائی مانند راهبرد تقیه، راهبرد همکاری با حاکم جائز، راهبرد سازمان و کالت است. با توجه به یافته‌های فوق مشخص شد تقریباً همه ائمه(ع) راهبردهای دائمی یکسانی داشتند و در راهبردهای اقتضائی با تغییراتی همراه بوده است. در این پژوهش از روش سوات SWOT برای تحلیل استفاده شد. همچنین ماهیت این پژوهش تحلیلی و توصیفی است.

واژگان کلیدی

راهبرد های سیاسی، ائمه(ع)، جامعه شیعی، بنی امیه، بنی عباس، راهبردهای دائم، راهبردهای اقتضائی.

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ahmaddarestani110@gmail.com

۲. دانشیار، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: mdadash@noornet.net

۳. دانشیار، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: mjavdan1383@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۸/۱۳

طرح مسأله

در اندیشه شیعه، مهمترین رسالت امام معصوم (ع)، هدایت جامعه است که از سوی خداوند بر عهده فرستادگانش نهاده شده است (بقره: ۳۸) خداوند متعال با فرستادن پیشوایان، امر هدایت جامعه را به آنها سپرده و از آنان می‌خواهد، کارهای خیر انجام دهند و نماز و زکات را اقامه کنند (انبیاء: ۷۳) این وظیفه مهم که خداوند پس از پیامبر اکرم (ص) بر عهده امام معصوم (ع) نهاده (مائده: ۵۵) مسئولیت رهبری و هدایت جامعه اسلامی و مدیریت آن است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۰) با وجود این، ظلم حاکمان بنی امیه و بنی العباس و محدودیت‌های شدید توأم با اختناق و خفقان، مانع از ارتباط عادی و هدایت آزادانه جامعه شیعی توسط ائمه (ع) شد.

در ارتباط با راهبرد ائمه (ع) در مواجهه با جامعه و حاکمان، دو دیدگاه مطرح شده است. برخی از نویسندگان معتقدند ائمه (ع) بدنبال کسب قدرت سیاسی و حکومت بودند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷) از این رو حاکمیت خلفاء بنی امیه و بنی عباس را نامشروع می‌دانستند. زندگی ائمه (ع) از اولین امام تا آخرین ایشان به منزله انسانی ۲۵۰ ساله با تاکتیک‌های متفاوت اما با هدفی یکسان که عبارت از تربیت مردم و تقویت و برجسته کردن رویکرد سیاسی بوده است (همان: ۱۵-۱۸) برخی دیگر معتقدند که امامان برای هدایت بشر آمده و در پی ترویج اندیشه‌های دینی هستند، پس وظیفه امام، کشورداری و حکومت کردن نیست و برای اداره امور سیاسی و اجتماعی بشر نیامده است و اگر امیر مومنان علی (ع) مدتی حاکم بوده به جهت شأن امامت نیست بلکه به خاطر شرایط و ضرورت اجتماعی و سیاسی و اقبال مردم بود (حائری، بی تا، ص ۱۷۲)

استقرار اجباری ائمه (ع) در چنین فضای بسته و محدودی، این سوال را برای محقق ایجاد می‌کند که با توجه به این اوضاع، امامان (ع) چگونه به رسالت هدایت و راهنمایی مردم عمل می‌کردند و در این ارتباط چه واکنش‌هایی در برابر دستگاه حاکم داشتند؟ به بیان دیگر راهبرد سیاسی هر امام در این فضای بسته برای هدایت و رشد جامعه شیعی چه بوده است؟ هدف از این پژوهش شناخت راهبردهای سیاسی ائمه اطهار (ع) برای حفظ و

ارتقای جامعه شیعی در برابر دستگاه حاکم است.

با بررسی در منابع مختلف، عنوان مستقلی برای پژوهش فوق الذکر مشاهده نگردید. اما با این وجود پژوهش هایی هستند که به بخشی از راهبردها اشاره کردند در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می شود.

- پایان نامه (راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق (ع) در آماده سازی جامعه اسلامی برای عصر غیبت) نوشته سیدابراهیم معصومی بر اساس الگوی راهبردی SWOT راهبردهای سیاسی ارائه شده توسط امام باقر(ع) و امام صادق(ع) را برای آماده سازی جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت بررسی نموده است. همچنین پایان نامه سیره ی سیاسی و فرهنگی امام موسی کاظم (ع) و زمانه ی او، نوشته سیدحسن قاضوی، به چگونگی مواجهه امام با عباسیان مورد تحلیل قرار داده است. مقاله مواضع سیاسی امام کاظم در برابر خلفای عباسی، دکتر امیر تیموری، ناهید رضی، در این مقاله به مواضع سیاسی امام کاظم (ع) در برابر خلیفه عباسی، مانند اثبات حق زمامداری خود در برابر احتجاج حاکمان عباسی، توصیه به شیعیان در مواجهه با حکومت، طرح گردیده است. همچنین نقش راهبردی سازواری اجتماعی امامان (ع) در استمرار حیات شیعه نوشته فرهمند پور و دیگران که با رویکردی توصیفی صرفا و با چارچوب سازواری اجتماعی به تبیین راهبردهای ائمه(ع) پرداخته است.

نوآوری و تمایز این پژوهش با آثار فوق در بررسی یکپارچه راهبردهای سیاسی امامان و بررسی محیط بیرونی و درونی جامعه شیعیان به رهبری امام(ع) است. بر این اساس می توان نگاه یکپارچه به حیات ائمه(ع) و تحلیل راهبردهای ایشان در حفظ و ارتقاء جامعه شیعی را از نوآوری های این مقاله دانست.

مفهوم راهبرد Strategy

یکی از روش هایی که می توان بخش هایی از سیره و فعالیت امامان شیعه را در زمان حیات مبارکشان مورد مطالعه و تحلیل قرار داد، نگرش استراتژیک یا راهبردی است. «استراتژی عبارت است از الگو یا طرحی که هدفها، سیاستها و زنجیره های عملیاتی یک سازمان را در قالب یک کل به هم پیوسته با یکدیگر ترکیب می کند» (کرئین، ۱۳۷۳، ص ۵)

براساس این تعریف راهبرد یک برنامه کلی و جامع برای دستیابی به اهداف بلند مدت می باشد. چنین نگرشی زمینه مناسب را برای تحقق اهداف متعالی فراهم می سازد و می تواند مانند یک طرح و یا الگوی کارآمد و اثربخش با تکیه بر نگرش بنیادین و همه جانبه، تصمیم گیران و فعالین در محیط مورد نظر را نسبت به رسیدن آرمان های خویش مطمئن سازد و تصویری روشن و جامع از اهداف را ارائه نماید.

مفهوم سوات SWOT

SWOT از کنار هم قرار دادن حرف اول چهار کلمه‌ی انگلیسی است که عبارتند از: Strengths به معنای نقاط قوت، Weaknesses به معنای نقاط ضعف، Opportunities به معنای فرصت ها و Threats به معنای تهدیدها می باشد. SWOT الگویی برای تحلیل شرایط داخلی و خارجی است. این الگو یکی از مناسبترین و کاربردی ترین روش ها در تعیین استراتژی به کار می رود. در این روش عوامل داخلی (قوت ها و ضعف ها) و عوامل خارجی (فرصت ها و تهدید ها) برای یک سازمان شناسایی می شود. و پس از تعیین نقاط قوت و ضعف سازمان همچنین فرصت ها و تهدید های محیطی، آنها را در جدول یا ماتریس SWOT قرار می دهند.

برای استراتژی مناسب در روش SWOT از تطبیق بین عوامل درونی و بیرونی استفاده می شود. یعنی فرصت ها و تهدید های محیطی با قوت ها و ضعف های داخلی تطبیق داده و حاصل آن ایجاد چهار گروه استراتژی است که عبارت اند از استراتژی SO، که موقعیتی در یک سیستم ایجاد می کند که علاوه بر نقاط قوت با فرصت های محیطی نیز رو به رو می باشد استراتژی WO، حالتی است که نقاط ضعف فراوان دارد اما فرصت های مختلف محیطی را نیز دارا می باشد استراتژی ST، در این حالت سیستم دارای نقاط قوت است اما تهدید های محیطی نیز به همراه دارد استراتژی WT در این حالت سیستم هم با نقاط ضعف داخلی رو به روست و هم تهدید های مختلف محیطی را دارا می باشد. (ر.ک. دهکردی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۴۳-۴۴). از این روش می توان برای وضعیت جامعه شیعیان در عصر امامان شیعه بهره جست و آن مقطع را به خوبی تبیین نمود و به شکل منسجم استراتژی امامان را در دوران امامت احصاء کرد.

تحلیل راهبردهای ائمه(ع)

رهبران، همواره برای مدیریت جامعه بنا به موقعیت، راهبردهای خاصی را طراحی می کنند. برخی ممکن است مقطعی بوده ولی برخی دیگر بلند مدت و دائمی است. در این بخش ابتدا به راهبردهای ثابت ائمه(ع) خواهیم پرداخت و آن را نسبت به هر یک از ائمه(ع) جداگانه بررسی می کنیم. در ادامه به ارزیابی و مقایسه و تحلیل راهبردهای اقتضائی خواهیم پرداخت و تلاش می کنیم علت اتخاذ راهبرد و تشابه و تفاوت های آن را بررسی کنیم. فرایند مدیریت اقتضائی در وضعیتی غیر مطمئن و به شدت متغیر صورت می گیرد. تغییرات دفعی و آنی متغیرهای تأثیرگذار، زودگذر بودن و موقتی بودن، عدم امکان از منابع موجود، غافلگیری رهبر جامعه به جهت وضعیت ناگهانی و غیرمطمئن آن، چالش برانگیز بودن، مخالفت با اصول آشکار و بنیادین سازمان، پیچیدگی و اضطرابی بودن، و همچنین غیرقابل پیش بینی بودن از متغیرهایی است که مدیریت اقتضائی و رهبران معمولاً با آن روبرو هستند.

ارزیابی، مقایسه و تحلیل راهبردهای دائمی

بررسی سیره و زندگی سیاسی و اجتماعی ائمه(ع) نشان می دهد که امامان شیعه در طول دوران امامت در برخی از تصمیمات راهبردی در مواجهه با پدیده های فراروی خویش با یکدیگر یکسان بوده و تفاوتی بین ایشان از نظر نوع اتخاذ راهبرد نداشته است و گذشت زمان و تحولات اجتماعی، فراز و فرود حکومت ها، گسست نسل ها و حتی تغییرات فرهنگی بر این راهبردها اثری نگذاشته و واکنش به تمام این تحولات راهبردهای ثابت و یکسان است به همین جهت در راهبرد ثابتی که امیر مومنان علی(ع) برای رهبری جامعه شیعه اتخاذ می کند، تفاوتی با راهبرد ثابت امام رضا که ۱۷۰ سال بعد اتخاذ کرده ندارد. در ادامه به بررسی راهبردهای ثابت ائمه(ع) و تشابه ها و تفاوت های آن میان ایشان خواهیم پرداخت و تلاش داریم تا توسط الگوهای که مطرح شد دلیل راهبردهای اتخاذ شده را توضیح دهیم.

تحلیل حوادث در صدر اسلام و در دوره امامت امام علی(ع) کمی پیچیده به نظر می رسد زیرا از یک سو علیرغم تأکید پیامبر اکرم(ص) مبنی بر وصایت و جانشینی پس از

رحلت ایشان بلافاصله مسلمانان دچار اختلاف شده و وصیت و تأکيدات ایشان را بر زمین نهادند و ابوبکر را به جای علی(ع) که شخص منصوب پیامبر(ص) بود، انتخاب کردند. و از سوئی دیگر شکاف عمده ای در میان مسلمین ایجاد شد و بیم جنگ داخلی می رفت و ممکن بود اصل اسلام در کشاکش اختلافات از بین برود.

در این دوران بر اساس مستندات تاریخی در محیط داخلی هر چند شیعیان در اقلیت بوده و هنوز برای توده مردمی که تازه به اسلام لیک گفته بودند؛ حقائق روشن نبود اما به لحاظ شخصیت گرانسنگ امیر مومنان(ع)، مرجعیت علمی ایشان و وصایت پیامبر اکرم(ص) مبنی بر جانشینی ایشان و همچنین انطباق کامل باورهای شیعی، که از سوی اهل بیت(ع) ترویج می شد، با قرآن کریم و سنت رسول اکرم(ص) نقطه قوت شیعه محسوب می شد. به گونه ای که بعد از قرن ها کماکان از نقاط قوت جامعه شیعه است.

در خارج از فضای جامعه شیعیان تهدیدهای متعددی وجود داشت که انحرافات و بدعت ها در جامعه مسلمین، اختلاف قبائل و حکومت خلفا و علی الخصوص معاویه از جمله مهم ترین آن است در عین حال فرصت هائی مانند تعداد روز افزون موالیانی که به اهل بیت(ع) علاقمند می شدند و باورهای اعتقادی ضعیف و متناقض مخالفان اهل بیت(ع) و همچنین فتوحات از فرصت های دوران امامت امیر مومنان علی(ع) بود.

با توجه به نقاط ضعف و قوت محیط داخلی جامعه شیعه و همچنین فرصت ها و تهدیدهای محیط خارجی جامعه شیعه، به نظر می رسد الگوی راهبرد (قوت S، تهدید T) در اینجا مناسب باشد. زیرا در این وضعیت هر چند در محیط داخلی از قوت ها و مزیت های نسبی برخوردار است اما در محیط تعاملی تهدیدها و چالش های متعددی روبروست از این رو برای رفع تهدیدها باید با تمام توان از نقاط قوت بهره گرفته و تهدیدهای فضای بیرونی که اصل هویت شیعی را مورد تهدید قرار می دهد مرتفع کند از این رو راهبردهایی تدوین می شود که با حداکثر توان موجود به مقابله با فشارها، تهدیدها و چالش های محیطی پردازد.

با توجه به شرایط فوق الذکر علی(ع) راهبردهای مخالفت سیاسی با حکومت و خلفای غاصب، راهبرد ترویج معارف و آموزش شیعیان و هویت سازی شیعی را برای مقابله با

تهدیدات تدوین نمودند. بر اساس اعتقادات امامیه، حکومتی مشروع است که حاکم از سوی خداوند و فرستاده او برای حکمرانی بر مردم اذن داشته باشد. از این منظر حکومت رسول خدا(ص) به جهت برخورداری از تأییدات الهی، مشروع بود. تا زمان حیات ائمه(ع) از منظر اعتقادات شیعه، تمام حاکمان اموی و عباسی غاصب بوده و به همین دلیل امامان شیعه با حکومت آنان مخالف بوده اند.

امیر مومنان، آموزش و تعلیم مردم را آن هم در زمانی که به ندرت افراد باسواد و تعلیم یافته در جامعه یافت می شدند، جزو حقوق مردم بر حاکم دانسته است. مفهوم سخن امام این است که حاکم زمانی به رسالت خویش کاملاً عمل خواهد کرد که مردم را آموزش دهد. از این روست که حضرت می فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیر خواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۱)

واپسین راهبرد امام علی(ع) که در بالا ذکر شد، هویت سازی جامعه شیعه است که تا آن زمان هنوز مرزبندی دقیقی برای آن وجود نداشت و هویت مستقلی شکل نگرفته بود. اولین و محوری ترین عنصر که توسط ائمه(ع) به شیعیان آموزش داده و توصیه شده است، توجه به جایگاه امام و مفهوم ولایت می باشد. زیرا بدون هویت مستقل نمی توان به معنای واقعی معارف اصیل دین را در جامعه انتشار داد. هویت مذهبی در واقع آمادگی کاملی را در انسان ایجاد می کند تا معارف را پذیرش نماید و درک عمیق تری از آموزه های دینی خود داشته باشد. افزون بر آن، هویت شیعی موجب غیریت سازی با دیگر مدعیان مذهب و دینداری می شود و همین نکته موجب در امان ماندن معارف اصیل دین از انحراف و یا آمیختگی با خطوط انحرافی می شود.

با توجه به راهبردهای تدوین شده از امام علی(ع)، تهدیدها به حداقل رسید و معارف توسط چنین راهبردهائی حفظ شد و به نسل های بعد انتقال پیدا کرد. طبیعی است تدوین راهبرد مقابله با مخالفان و غاصبان خلافت با ابزار جنگ داخلی با توجه به قدرت اقتصادی و نظامی که در دست مخالفان امام علی(ع) بود موجب از بین رفتن اصل معارف شیعی

می‌گردید و اختلاف را در جامعه گسترش می‌داد ولی با راهبردهای فوق، علی(ع) پایه ریزی بنیان‌های معارفی را که پیامبر اکرم(ص) مؤسس آن بود را حفظ کرد و اسلام حقیقی را از این پیچ خطرناک تاریخی عبور داد.

وضعیت داخلی و خارجی شیعه در دوران امام حسن(ع) تقریباً مشابه دوران امام علی(ع) بود. رهبری امام حسن(ع) و مرجعیت علمی ایشان، مهمترین نقطه قوت جامعه شیعه بود و در مقابل انزوای شیعیان اندک اعتقادی و عدم انسجام آنها از ضعف‌های داخلی جامعه شیعه است. تهدیداتی مانند حکومت معاویه، جعل اخبار، شایعه، جریان‌های مخالف با امام حسن(ع) مانند خوارج و عثمانی‌ها، کوفیان، جامعه شیعه را در بر گرفته بود در عین حال فرصت‌هایی مانند برملا شدن ماهیت پر نیرنگ و تزویر معاویه و اجتماع عظیم حج وجود داشت در این وضعیت، امام برای نجات جامعه شیعه و معارف دین تلاش می‌کرد و راهبردهایی از قبیل حفظ و انسجام جامعه شیعه، راهبرد مخالفت با حکومت غاصب و تعلیم معارف برای مردم را اتخاذ نموده است. راهبردهای فوق در گزارشات تاریخی که درباره صلح امام حسن(ع) با معاویه آمده شاهد تدوین چنین استراتژی‌ها و اجرائی کردن آن می‌باشد(ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷-۱۲۰)

نگران‌کننده‌ترین و خشن‌ترین جنبه تهدید جامعه شیعه شهادت امام حسین(ع) بود که به شدت موجودیت و حتی هویت شیعه به خطر افتاد. به گونه‌ای که جرأت‌جانبداری از علی(ع) و اولاد برای کسی میسر نبود (مسعودی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷) انزوای شدید سیاسی و اجتماعی شیعیان، در اقلیت بودن شیعیان، اختلاف و عدم شفافیت اعتقادی بین شیعیان و نیز انحرافات اعتقادی از سوی عوامل حاکمان(دینوری، ۱۴۱۰، ص ۳۴۶) از دیگر تهدیدات بود. در این میان تنها نقطه قوت جامعه شیعی، مرجعیت علمی و محبوبیت اجتماعی امام است که با شهادت ایشان، شیعه این نقطه قوت را نیز از دست داد. از سوئی دیگر تهدید حکومت معاویه، حکومت یزید، گروه‌های مخالف، عثمانیه شیعه را در موضع ضعف شدید قرار داده بود و حتی فرصت‌هایی مانند اجتماع حج نیز نتوانست چندان تهدید را کم کند از این رو حضرت در مقابل یزید میمون باز و سگک باز(یعقوبی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۷) ایستادگی کرد زیرا علیرغم عدم تمایل امام حسین(ع) به جنگ با یزید اما تهدیدات به

گونه ای بود که باید از کیان اسلام و شیعه دفاع می شد تا صدای آن به گوش مردم برسد و از سوئی دیگر دشمنان امام کار را تمام شده می دیدند و دیگر امیدی را برای احیای سنت رسول خدا(ص) ندیده از این رو دست خود به خون فرزند پیامبر آغشتند. در این وضعیت جامعه شیعه در بدترین، دشوارترین حالت ممکن خویش بود زیرا از سوئی ضعف درون جامعه شیعه زیاد است و از سوئی دیگر تنها نقطه قوت که وجود امام(ع) است در معرض تهدید قرار گرفته و دشمن در صدد از بین بردن این نقطه قوت باقیمانده است. تهدیدات نیز خرد کننده و فرصتی که تهدیدات را از بین ببرد یافت نمی شود. یعنی راهبرد امام بر اساس الگوی (ضعف W - تهدید T) است. بر این اساس برای حفظ موجودیت شیعه و معارف اسلام، امام با دشمن مبارزه می کند تا ارزش های دین زنده بماند. امام در نامه ای به پنج تن از اشراف بصره علت قیام خویش را مرگ سنت های پیامبر و احیای بدعت می داند و چنین بیان می کند: «أَنَا أَذْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۵۷)

قیام و ایستادگی در برابر ظلم، توسط امام حسین(ع) شیعه را از نابودی نجات داد. دوران امامت امام سجاد(ع) با وضعیت بسیار دشواری شروع شد پس از مدتی شورش مردم مدینه موجب جنگی شد و لشکر معاویه تعداد زیادی از مردم را کشتند و اموال و ناموسشان را غارت کردند(عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۳۳) از سوئی دیگر وجود حاکم سفاکی مانند حجاج جامعه شیعیان را در وضعیت نامطلوبی قرار داده بود به گونه ای که کوچکترین تحرک شیعیان با سرکوب و حشایانه حجاج روبرو می گردید(یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۳۴۹) تعلیم و آموزش مردم با توجه به شرایط آن زمان امکان نداشت. در این زمان، نقطه ضعف عبارت بود از: انزوای شدید شیعیان، در خطر قرار گرفتن هویت شیعی، شکاف در جامعه شیعه در پیروی از امام و در مقابل نقطه قوت، مرجعیت علمی و محبوبیت اجتماعی، بهرمندی جامعه شیعه از معارف در قالب دعا، انسجام جامعه شیعه و بهره مندی از شاگردان تربیت شده امام بود؛ در عین حال تهدیدات نیز عبارت بود از: جامعه شیعیان، حاکمان بنی امیه، جریان های فکری و سیاسی مخالف ائمه(ع) و فرصت های آن، توجه علمای اهل سنت به امام، مرگ یزید و اختلاف

بنی امیه بود.

با امامت امام سجاد(ع) جامعه شیعه از حالت (ضعف، تهدید) بدترین وضعیت خارج شد و قوت خویش را که وجود امام باشد، بدست آورد از این رو از امام خویش در قالب دعا بهره مند شدند با این قوت، ضعف‌ها به میزان زیادی پوشش داده شدند. از سوئی دیگر با فرصت‌های موجود هم به ضعف‌ها پوشش داده می‌شد و هم تهدیدهای جدی که جامعه شیعه را مورد آسیب قرار می‌داد کاهش داد بنا بر این می‌توان راهبرد امام را در این زمان با الگوی (قوت-S-تهدید) می‌توان توضیح داد.

جامعه شیعه در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) دارای راهبرد مشابه است زیرا چه در محیط داخلی و هم در محیط بیرونی شرایط تقریباً یکسان است در این زمان به جهت فضای مناسبی برای اجرای راهبردهای فرهنگی، سیاسی و علمی بویژه در دوران امام صادق(ع) بود. امام با استفاده از این فرصت توانست شاگردان بسیاری را تربیت کند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۷۱) لذا در مطالعه تحولات در این دوره از تاریخ اهل بیت(ع) راهبردهایی که از این دو امام برای جامعه شیعه تدوین شده شبیه به هم است. ضعف‌های جامعه شیعه عبارتند از: اقلیت قرار گرفتن شیعه، وضعیت اقتصادی نامناسب شیعیان، قیام نابهنگام زیدیان، انشعاب شیعیان زیدی، غلات شیعه اما نقاط قوت در این دوره، مرجعیت عظیم علمی امام بود که دستگاه حاکم را وادار به مقابله کرد به طوری که عالمانی را در برابر امام قرار می‌داد و آنان را به عنوان مفتی رسمی دستگاه حاکمیت معرفی می‌نمود (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۱۲) همچنین تربیت شاگردان، بهرمندی گسترده از معارف شیعی، نقاط قوت جامعه شیعه در دوران امام صادق(ع)، آزادی نسبی شیعیان، هویت برجسته شیعیان، گسترده شدن شیعیان است و همچنین در فضای خارجی نیز فرصت‌ها، مرجعیت علمی در مذاهب غیر شیعی، تربیت شاگردان غیر شیعه، افول قدرت بنی امیه، محبوبیت اجتماعی امام، گسترش دانشگاه مکتب شیعه و تهدیدات نیز گروه‌های انحرافی مانند قدریه، مرجئه و جبریه، حاکمان بنی امیه، احادیث جعلی، اسرائیلیات است.

راهبرد صادقین(ع) در این دوره الگوی راهبردی (قوت S، فرصت O) است. در این دوران مطلوب‌ترین وضعیت برای شیعه ایجاد شد یعنی در حالی که از نظر داخلی دارای

قوت بود و ضعف های قابل جبرانی داشت در فضای بیرونی نیز فرصت های بی نظیری داشت به همین جهت راهبرد هویت سازی شیعی، مخالفت سیاسی با حاکمیت، انسجام شیعیان و تعلیم شیعه از راهبردهای این دو امام بوده است. این دسته از راهبردها ناظر بر چگونگی به کارگیری ظرفیت و توان موجود جامعه شیعه در جهت بهره برداری و استفاده حداکثری از فرصت های چشمگیر محیطی را بیان می دارد. به همین جهت در این دوره بیشترین گسترش علمی و انسجام شیعی را شاهد هستیم و تربیت شاگردان علوم و معارف اهل بیت(ع) را تا اقصی نقاط قلمرو اسلامی برد و مکتب اهل بیت(ع) را به یکی از مهمترین گفتمان های جهان اسلام تبدیل نمود.

این وضعیت که در آن شرایط سیاسی و اجتماعی سختی که برای ائمه(ع) بود، بهترین فرصت تلقی می شد تا اوائل امامت امام کاظم(ع) ادامه داشت اما با اوج گرفتن فعالیت امام(ع) ایشان توسط تهدیدات بیرونی که مهمترین آن خلیفه عباسی بود محدود شد. علاوه بر آن جریان های فکری و سیاسی مخالف مانند جهمیّه، مرجئه، خوارج نیز به عنوان تهدیدی برای شیعه محسوب می شوند. خلیفه عباسی با محدود کردن ارتباط شیعیان با امام خویش عملاً آنها را از بهرمندی از امام محروم می کرد با این وجود فرصت های بیرونی نیز به شیعه کمک می کرد مانند: توجه مسلمین خصوصاً ایرانیان به اهل بیت(ع)، مرجعیت علمی، مناظرات، تربیت شاگردان این موارد فشار حاکم به شیعیان را کم می کرد. نقاط ضعف جامعه داخلی شیعه مانند: اختلاف شیعیان در امامت امام کاظم، تداوم حضور غالیان، فرقه های مختلف شیعی آسیب های زیادی به شیعه زد اما با قوت هائی که وجود داشت آسیب ها توسط امام کنترل می شد قوت های جامعه شیعه در این دوران عبارتند از: مرجعیت علمی، بهره مندی از مدیریت گسترده امام توسط وکلا، حضور برخی از شیعیان در دستگاه حکومتی، وسعت و گسترده گی شیعیان. به نظر می رسد در الگوی راهبردی امام به وضعیت (قوت ۰- تهدید) تغییر یافت. در این حالت راهبردهای امام(ع) انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش جوامع شیعه، هویت سازی شیعی است تا با تهدیدات و نقاط ضعفی که دامن جامعه شیعه را گرفته است مقابله کند.

تمرد برخی از وکلا و عدم تمکین از امام رضا و فعالیت فرقه های شیعی در ابتدای

امامت امام رضا(ع) هر چند از نقاط ضعف جامعه شیعی بود اما نقاط قوتی مانند آزادی نسبی جامعه شیعه، انسجام جامعه شیعیان خصوصاً در ایران، وسعت و گستردگی شیعیان، مرجعیت علمی امام، تربیت شاگردان موجب شده بود تا جامعه شیعه پویا و فعال باشد. با این حال مواردی مانند هجرت امام به مرو و پذیرش اجباری ولیعهدی (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۴)، مرجعیت علمی، مناظرات علمی (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۵۲)، تربیت شاگردان فرصتی بوجود آورد تا جامعه شیعه پویا تر شده و بهتر از محضر امام استفاده کنند. البته تهدیدهایی هم مانند فعالیت های فرقه های مختلف و نیز حاکم عباسی (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۶) بود که تهدیدی مخفی بود و به شکل علنی از امام حمایت می کرد. در این وضعیت راهبردها مبتنی بر الگوی (قوت S - فرصت O) است بنا بر این راهبردهای انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، تعلیم جوامع شیعه توسط امام اتخاذ شده است.

تردید در امامت امام جواد، فرقه های شیعه، غالیان (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۹)، احادیث جعلی از نقاط ضعف جامعه شیعه بود. البته خردسالی امام جواد(ع) نیز برای آنها قابل هضم نبود. اما نقاط قوت از قبیل: مرجعیت علمی امام، وسعت و گستردگی شیعیان، تربیت شاگردان، ارتباط امام با جامعه شیعیان از طریق و کلا بود. پس از مدتی شیعیان انسجام خود را باز یافتند و تا مدتی امام راهبردهای (قوت S - فرصت O) را تدوین کرده بود اما با عوض شدن خلیفه عباسی تهدیدهای بیرونی مانند: حکومت عباسی و تبلیغات بر علیه شیعیان، بر جامعه شیعه افزایش یافت در این حالت امام راهبرد (قوت S - تهدید t) را تدوین نمود و راهبردهای ثابت اتخاذ شده از سوی امام عبارتند از: انسجام شیعیان، مدارا، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه و آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت. این راهبردها تهدیدهای بیرونی را کاهش می داد و ضعف های داخلی جامعه شیعه مانند فرقه های منحرف را مرتفع می کرد. (طوسی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۱)

وضعیت داخلی (قوت و ضعف) و خارجی (فرصت و تهدید) جامعه شیعیان در دوران امام هادی(ع) شبیه با دوره دوم امامت امام جواد(ع) است که راهبردهای مبتنی بر الگوی (قوت S - تهدید t) را اجرا می کند. زیرا تهدید حاکمیت بسیار جدی است به گونه ای که

امام را در خانه حصر کرده و ارتباط ایشان را با شیعیان بسیار محدود می نماید. بنا بر این امام همچنان راهبرد انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه و آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت را دنبال می کند و به جامعه شیعه تحرک و پویائی بخشیده است.

بررسی حوادث عصر امام هادی(ع) نشان می دهد که راهبرد آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت، برجستگی بیشتری پیدا می کند زیرا در بررسی نقاط ضعف جامعه شیعه ملاحظه می کنیم که صعب بودن و یا عدم ارتباط با امام، و کلای خائن، قیام نابهنگام زیدیه و غلات از موارد ضعف جامعه شیعه بودند اما با موارد قوت نظیر: مرجعیت علمی، شاگردان و وکلای امام که در جامعه شیعیان بودند(عطاردی، ۱۴۱۰، ص ۳۱۴) گسترده شیعیان تلاش زیادی برای جبران ضعف شد. از سوئی دیگر تهدید مهم و جدی حاکم عباسی بود که مشکلات زیادی برای جامعه شیعه ایجاد کرد ولی فرصت هائی نظیر، جایگاه رفیع اجتماعی امام مقداری از تهدیدها را کاهش می داد امام همچنان در آن زمان جامعه شیعه تحت فشار بود در این وضعیت الگوی راهبردی امام (قوت-S- تهدیدt) است که در آن از حداکثر توان و نقاط قوت برای رفع تهدیدها بهره می برد. راهبردهای این دوره نیز انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش جوامع شیعه و آماده سازی جامعه برای غیبت است.

وضعیت شیعیان در دوران امامت امام مهدی(ع) پیچیده است هر چند به خاطر راهبردهای ائمه(ع) قبلی شیعیان آمادگی نسبی برای غیبت امام را داشتند اما به هر حال جامعه شیعه به دلائل عدم ارتباط با امام، و کلای خائن، قیام نابهنگام زیدیه، غلات دارای ضعف بود از سوئی نیز به خاطر مرجعیت علمی و همچنین علمای شیعه دارای قوت بود. تهدیدات همچنان حاکمان غاصب عباسی بودند و فرصت نیز مقبولیت و جایگاه رفیع اجتماعی امام بود. در این وضعیت به نظر می رسد الگوی (ضعف W- تهدیدt) است و این بدترین حالت برای یک سیستم است یعنی عدم دسترسی شیعیان به امام و از سوئی تهدیدات عباسیان وضعیت بغرنجی را برای شیعه ایجاد کرده است پس راهبرد امام در این برهه انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، تعلیم جوامع شیعه از راهبردهای امام باشد

که با تقویت نقاط قوت از جمله علمای شیعه از شروع دوران غیبت تاکنون این راهبرد جاری است.

ارزیابی، مقایسه و تحلیل راهبردهای اقتضائی

در دوران علی (ع) نقطه قوت شیعه علاوه بر انطباق باورهای شیعی بر قرآن و سنت رسول اکرم (ص)، وجود شخصیت امام علی (ع) بود که ویژگی‌های فوق‌العاده‌ای داشت اما در عین حال شیعیان در اقلیت بودند و انسجام چندانی نیز بین آنها وجود نداشت. از سوئی دیگر تهدیداتی مانند بدعت‌ها و انحرافات و اختلافات شدید وجود داشت. از این رو امام علی (ع) برای خارج کردن جامعه شیعه از انزوای راهبردهائی روی آورد که نوعی تحرک و پویائی بخشد. پس به جهت ضعف داخلی شیعه و قدرت گرفتن مخالفان، راهبرد همکاری با حاکم را اتخاذ کرد. از سوئی دیگر به خاطر فضای سیاسی اجتماعی آن زمان، امام علی (ع) ناگزیر از تقیه بود و این راهبرد به خاطر بدعت‌های عمر در جامعه بود و ساختار اجتماعی که از بین بردن بدعت‌ها را بر نمی‌تابید و علناً «یا اهل الاسلام غیرت سینه عمر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۶۳) سر می‌دادند از این رو حضرت برای حفظ بنیان‌های شیعه راهبرد تقیه را پیش گرفتند. پس امیر مومنان (ع) برای رفع تهدیدها و تقویت نقاط ضعف، راهبرد تقیه و همکاری با حاکم را در پیش گرفتند.

با افزایش تهدیدات در زمان امام حسن (ع) بر جامعه شیعیان، مجدداً دو راهبرد اقتضائی که امام علی (ع) برای حفظ کیان اسلام اتخاذ کرده بود، تداوم یافت. این بدان معناست که وضعیت درونی و بیرونی جامعه شیعیان تفاوتی نکرده و همچنان تهدیدات بیرونی و ضعف داخلی موجودیت جامعه شیعه را در خطر قرار می‌دهد. این روند در زمان امام حسین (ع) به اوج خود می‌رسد با این حال امام خویشتر داری کرده و همان دو راهبرد اقتضائی را در پیش می‌گیرد با روی کار آمدن یزید به قدری تهدید افزایش می‌یابد که امام (ع) هر دو راهبرد اقتضائی را کنار گذاشته او نه همکاری با حاکمی شرابخواری مانند یزید می‌کند و نه تقیه را اتخاذ می‌نماید. پس در این حالت بدترین وضعیت است و موجودیت جامعه شیعه در صورت تقیه و همکاری با حاکم کاملاً از بین خواهد رفت.

تهدیدات بیرونی و ضعف جامعه شیعه پس از شهادت امام حسین (ع) به میزان زیادی

افزایش یافت به شکلی که اگر کسی نام امیر مومنان(ع) را می برد، جان و مالش هدر می رفت. امام سجاد(ع) در این شرایط و برای حفظ شیعه که اکنون دیگر تعداد کمی از آن باقی مانده بود مجددا راهبرد تقیه و همکاری با سلطان جائر را به شکل راهبرد اقتضائی اتخاذ نمود زیرا وضع سیستم در بدترین شرایط خویش بود که به شکل (ضعف W- تهدید t) است در این شرایط باید ضعف ها را پوشش داده و تهدیدها را به حداقل رساند.

در نیمه اول امامت امام باقر(ع) راهبردهای اقتضائی امام سجاد(ع) تداوم یافت اما با افول قدرت بنی امیه و کاهش تهدیدات، جامعه شیعیان از وضعیت (ضعف W- تهدید t) خارج شد و قوت هائی در قالب قیام های شیعی و هویت یابی شیعیان از یک سو و فرصت هائی از قبیل به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز و کاهش فشارها و تهدیدات امنیتی از سویی دیگر موجب تثبیت هویت شیعی و گسترش علم شد این وضعیت در زمان امام صادق(ع) موجب شد تا امام به جهت کاهش تهدیدات و افول بنی امیه و قوت گرفتن بیشتر شیعیان به جهت راهبردهای امام باقر(ع)، از فرصت های استثنائی آن مقطع استفاده کرده و دو راهبرد دیگر را نیز اتخاذ نماید. راهبرد حمایت از قیام شیعی که زید بن علی باشد و راهبرد تشکیل سازمان و کالت.

در این مقطع جامعه شیعیان گسترده تر و هویت شیعی تثبیت شده است و به این ترتیب جامعه شیعه را با قوت بیشتری ملاحظه می کنیم به همین جهت است که امام صادق(ع) علیرغم اینکه به راهبرد تقیه عنایت دارد از قیام عمویش زید دفاع می کند و این نشان دهنده وضعیت (قوت S- فرصت O) است. به همین جهت است که امام(ع) راهبرد اقتضائی، اما مهم تشکیل سازمان و کالت را نیز به راهبردهای اقتضائی اضافه می کند زیرا باید جامعه شیعیان را اداره کرده و از آسیب های حکومت ها حفظ نماید. راهبردهای اتخاذ شده از سوی امام(ع) برای اداره جامعه شیعه اوج تحرک و پویائی ایشان در حرکت شیعه به سمت کمال است.

در ابتدای دوران امامت امام کاظم(ع) الگوی راهبردی (قوت S- فرصت O) بوده است به همین جهت در دوران امام کاظم(ع) اندکی از راهبرد تقیه کاسته شد همچنین راهبرد اقتضائی سازمان و کالت به شدت گسترده شد زیرا در این زمان گسترده شدن شیعیان به

عنوان یک نقطه قوت تلقی می‌شد و باید جامعه شیعیان به شکل مطلوبی اداره شده و به نیازهای ایشان پاسخ داده می‌شد. هر چند این روند با قوت پیش می‌رفت اما با تثبیت پایه‌های قدرت هارون الرشید تهدیدات به جامعه شیعه افزایش یافت و الگوی مدیریتی به (قوت O-تهدیدt) تبدیل شد و فرصت‌ها کاسته شد با این حال امام برای کاهش تهدیدها به تقویت راهبرد سازمان و کالت پرداخت و به میزان زیادی مانع اثر گذاری تهدیدات گردید.

از جمله مواردی که می‌توان از آن به (قوت S-فرصت O) از آن می‌توان تعبیر کرد، دوران امام رضا(ع) است که آنقدر شیعیان گسترده و قدرت گرفته بودند که مأمون ناچار شد برای در امان ماندن از قدرت شیعه، امام را به عنوان ولیعهد معرفی نماید. در این موقعیت، راهبرد تقيه تضعیف شد و امام، احکام فقه شیعه را بیان می‌کرد مانند آنچه که خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد درباره برداشتن ممنوعیت نکاح موقت مدعی آن است (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۹) ولی همچنان سازمان و کالت تقویت شد. در حقیقت حضرت در پی شرایط سیاسی و اجتماعی ایجاد شده بدنبال تقویت جامعه شیعه از یک سو و کاهش تهدیدات بیرونی از سوی دیگر بود.

جامعه شیعیان در دوران امامت امام جواد(ع) الگوی (قوت S-تهدیدt) به خود گرفت و با مرگ مأمون به شیعیان فشار بیشتری وارد شد و امام نیز محدود شد و مهمترین نقطه قوت آنها یعنی شخص امام معصوم(ع)، در معرض تهدید قرار گرفت. افزون بر تهدید حکومت، نحله‌های انحرافی و مشارب فکری نیز تهدیدی دیگر برای جامعه شیعه بود گو اینکه تردید برخی شیعیان نسبت به امامت امام جواد(ع) به این موارد اضافه می‌شد. در بررسی رفتار امام(ع) به نظر می‌رسد راهبرد تقيه مجددا قوت می‌گیرد و افزون بر آن برای رفع تهدیدات بیرونی و نیز رفع ضعف داخلی سازمان و کالت گسترده تر و با قوت تر به کار خویش ادامه می‌دهد. امام جواد(ع) همانند پدر بزرگوارش راهبرد همکاری با حاکم را به عنوان دیگر راهبرد اقتضائی به منظور هدایت جامعه شیعه به کار می‌برد.

با شهادت امام جواد(ع) الگوی (قوت S-تهدیدt) مجددا حاکم می‌شود و حتی تهدید خطرناک تر و گسترده تر می‌شود و این با خلافت متوکل عینیت واقعی و افزایش بیشتری

می یابد. هر چند تهدیدات محیطی مانند حکومت عباسی و انحرافات و فرقه گرائی افزایش پیدا کرده است اما در عین حال جامعه شیعه علیرغم فعالیت غلات، با هدایت امام و تلاش بی وقفه و کلای شیعه انسجام بیشتری یافته است. بنا بر این می توان گفت که امام با انسجام داخلی شیعیان به میزان زیادی توانسته است تهدیدات محیطی را دفع نماید.

در دوران امامت امام حسن(ع) عسکری، تهدیدها همچنان با شدت بیشتری پا برجاست و حتی شیعیان نمی توانند امام خویش را ملاقات کنند. در این وضعیت الگوی راهبردی امام (قوت-S-تهدید) است که در آن از حداکثر توان و نقاط قوت برای رفع تهدیدها بهره می برد. بنابر این می توان گفت راهبرد امام به جهت حفظ جامعه شیعه تقیه شدید است و همچنین سازمان و کالت همچنان حلقه واسط امام با شیعیان است بر این اساس برای حفظ جامعه شیعه مهمترین راهبرد تقویت و گسترش سازمان و کالت است. ضمن اینکه راهبرد اقتضائی همکاری با حاکم نیز اتخاذ می شود

دوران غیبت از حساس ترین مواقع حیات سیاسی، اجتماعی جامعه شیعیان است. ارتباط شیعیان با امام دچار تحولات اساسی می شود هر چند این شیوه از ارتباط در دوره سه امام قبل تقریباً برای شیعیان زمینه سازی شده بود اما در غیبت صغرا فقط بوسیله نواب اربعه با امام مرتبط شده و پرسش های خویش را مطرح می کنند در این مقطع امام به تقویت جامعه شیعیان می پردازد اما به نظر می رسد به جز سازمان و کالت، هیچ یک از راهبردهای اقتضائی عملی نمی شود یعنی همکاری با حاکم جائز، تقیه، حمایت از قیام های شیعی به شکل صریحی دیده نمی شود. در این مقطع، وکیل امام جایگاه خویش را به نواب داده و در غیبت صغرا این نایب امام(ع) است که با دیگر وکلا ارتباط دارد. در این وضعیت جامعه شیعیان، حضور امام یکی از مهمترین نقاط قوت او می شود و به اذن الهی تهدیدی از ناحیه حاکم بر جان امام نیست. امام از سوی دیگر فرقه های مختلف و بدعت ها و همچنین تفکرات غلات دامن گیر جامعه شیعه است.

ماتریس راهبردهای دائمی امامان شیعه

نام امامان	استراتژی SO (قوت، فرصت)	استراتژی St (قوت، تهدید)	استراتژی wo (ضعف، فرصت)	استراتژی wt (ضعف، تهدید)
امام علی (ع)		تعلیم، هویت سازی شیعی، راهبرد مخالفت با حکومت غاصب		
امام حسن (ع)		حفظ و انسجام جامعه شیعه، راهبرد مخالفت با حکومت غاصب و تعلیم معارف		
امام حسین (ع)				راهبرد مخالفت با حکومت غاصب، حفظ موجودیت شیعه و معارف اسلام
امام سجاد (ع)		هویت سازی شیعی، تعلیم، راهبرد مخالفت با حکومت غاصب		
امام باقر (ع)	هویت سازی شیعی، مخالفت سیاسی با حاکمیت، انسجام شیعیان و تعلیم شیعه			
امام صادق (ع)	هویت سازی شیعی، مخالفت سیاسی با حاکمیت، انسجام شیعیان و تعلیم شیعه			
امام کاظم (ع)		هویت سازی شیعی، مخالفت سیاسی با حاکمیت، انسجام شیعیان و تعلیم شیعه		

نام امامان	استراتژی SO (قوت، فرصت)	استراتژی St (قوت، تهدید)	استراتژی wo (ضعف، فرصت)	استراتژی wt (ضعف، تهدید)
امام رضا(ع)	هویت سازی شیعی، مخالفت سیاسی با حاکمیت، انسجام شیعیان و تعلیم شیعه			
امام جواد(ع)		انسجام شیعیان،مداراء، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه و آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت.		
امام هادی(ع)		انسجام شیعیان،مداراء، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه و آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت.		
امام حسن عسکری(ع)		انسجام شیعیان،مداراء، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه و آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت.		
امام زمان(ع)				انسجام شیعیان، مخالفت سیاسی با حکومت، آموزش و تعلیم جوامع شیعه

ماتریس راهبردهای اقتضائی امامان شیعه

نام امامان	استراتژی SO (قوت، فرصت)	استراتژی St (قوت، تهدید)	استراتژی wo (ضعف، فرصت)	استراتژی wt (ضعف، تهدید)
امام علی(ع)		همکاری با حاکم، تقیه		
امام حسن(ع)		همکاری با حاکم، تقیه		
امام حسین(ع)		همکاری با حاکم، تقیه	مقابله با حاکم، عدم رعایت تقیه	
امام سجاد(ع)			راهبرد تقیه و همکاری با حاکم	
امام باقر(ع)	راهبرد تقیه، همکاری با حاکم، راهبرد تشکیل سازمان و کالت.			
امام صادق(ع)	همکاری با حاکم، راهبرد تقیه، راهبرد توسعه سازمان و کالت.			
امام کاظم(ع)		تقیه، همکاری با حاکم، راهبرد توسعه سازمان و کالت.		
امام رضا(ع)	راهبرد تقیه همکاری با حاکم، تداوم سازمان و کالت			
امام جواد(ع)		راهبرد تقیه، همکاری با حاکم راهبرد تداوم سازمان و کالت.		
امام هادی(ع)		راهبرد تقیه و تداوم سازمان و کالت.		
امام حسن عسکری(ع)		تقیه، راهبرد تداوم سازمان و کالت.		
امام زمان(ع)		راهبرد تداوم سازمان و کالت.		

نتیجه گیری

در این پژوهش به این سوال پرداخته شد که با توجه به محدودیت شدید، ائمه(ع) چگونه به رسالت هدایت و راهنمایی مردم عمل می کردند و در این ارتباط چه واکنش هایی در برابر دستگاه حاکم داشتند؟ به بیان دیگر راهبردهای سیاسی ائمه(ع) برای حفظ و ارتقای جامعه شیعه در رویارویی با حاکمان هم عصر چه بوده است؟ به منظور تحقق هدف پژوهش و با توجه به شناخت راهبرد که عمدتاً در مدیریت های کلان از آن استفاده می شود، روش سوآت SWOT بکار گرفته شد. در این روش به خوبی محیط سیاسی جامعه ای که هر امام در آن زندگی می کند را نشان می دهد.

در بررسی و احصاء راهبردی امامان شیعه، مشخص شد ائمه اطهار(ع) راهبردهای ثابتی داشته اند که در همه ایشان برای تحقق اهداف خویش به صورت یکسان بوده است و گذشت زمان و تحولات اجتماعی، فراز و فرود حکومت ها، گسست نسل ها و حتی تغییرات فرهنگی بر این راهبردها اثری نگذاشته و واکنش به تمام این تحولات راهبردهای ثابت و یکسان است. راهبرد انسجام شیعیان، راهبرد مخالفت با حاکمان جائز اموی و عباسی، راهبرد تعلیم و آموزش جامعه شیعه، راهبرد مسالمت با مردم و همزیستی مسالمت آمیز، راهبرد ظهور منجی و مسأله مهدویت، راهبرد هویت سازی شیعی به عنوان یک راهبرد ثابت و اصلی در سیره مدیریتی ائمه(ع) قابل شناسایی است.

اما همه راهبردهای ائمه ثابت نبود بلکه بر اساس تحولات و تغییراتی که در جامعه ایجاد می شد گاه راهبرد موقتی در جامعه شیعه اجرا می شد. راهبرد اقتضائی حمایت از قیام های شیعی، راهبرد اقتضائی تقیه، راهبرد اقتضائی همکاری با حاکم جائز، راهبرد اقتضائی سازمان و کالت از جمله راهبردهای اقتضائی ائمه(ع) است. در همه احوال، ائمه(ع) در حال مبارزه با طاغوت زمان خود بودند اما شیوه های آن با هم متفاوت بوده است و اگر با حاکم جور ارتباط می داشتند این مسأله در حداقل ها و به جهت اجبار زمان بوده است. آنها با استقامت و صلابت به مبارزه خویش ادامه می دادند و از تمام امکانات موجود به شکل بسیار حکیمانه برای افزایش آگاهی شیعیان استفاده می کردند. هر چند بکار گیری

این راهبرد اقتضائی در برهه‌هایی از زمان عملی شده است اما شواهد تاریخی نشان داده که هیچگاه امامان شیعه از رسالت خود که همان هدایت و رهبری شیعیان و افزایش آگاهی ایشان دست بر نمی‌داشتند.

با این حال پرسش‌های دیگری در اثناء این پژوهش برای محقق ایجاد شد که شایسته است محققین دیگری آن را مورد بررسی قرار داده که در راستای تکمیل پژوهش حاضر خواهد بود. برخی از سوالات مانند راهبردهای فرهنگی ائمه (ع) برای حفظ و ارتقای جامعه شیعه در رویارویی با حاکمان هم‌عصر چه بوده است؟ راهبردهای اجتماعی ائمه (ع) برای حفظ و ارتقای جامعه شیعه در رویارویی با حاکمان هم‌عصر چه بوده است؟ زمینه‌های سیاسی و اجتماعی اتخاذ هر یک از راهبردها چه بوده است؟ این سوالات می‌تواند در بهبود و تکمیل پژوهش حاضر کمک‌شایانی نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵)، علل الشرایع، ناشر کتابفروشی داوری، قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۴. اصفهانی، ابو الفرج علی بن الحسین، (بی تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة.
۵. پیشوائی، سیره پیشوایان، (۱۳۷۵)، انتشارات موسسه امام صادق(ع)، قم.
۶. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶) حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، قم.
۷. حائری، مهدی، (بی تا)، حکمت و حکومت، بی جا، بی نا.
۸. حموی، یاقوت بن عبد الله، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ط الثانية.
۹. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۳)، انسان دویست و پنجاه ساله، نشر موسسه ایمان جهادی، تهران.
۱۰. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۱. دینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه، (۱۹۹۰)، الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى.
۱۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۹۹۳)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ط الثانية.
۱۳. صدوق، (۱۹۸۰)، الامالی، ناشر: اعلمی، بیروت.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه، مصحح: تهرانی، عبادالله، ناصح علی احمد، ناشر: دار المعارف الاسلامیه، قم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن شیخ، (۱۴۰۹ق)، رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)، تصحیح مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد.

۱۶. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، (۱۹۶۷/۱۳۸۷)، تاریخ الأمم و الملوك ، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث ، ط الثانية.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰)، اعلام الراء به اعلام الهدی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. عطاردی، عزیز الله ، (۱۴۱۰ق)، مسند امام جواد (ع) ، مشهد ، کنگره ی جهانی امام رضا.
۱۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۹۹۵/۱۴۱۵)الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تصحیح: غفاری، علی اکبر، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. کرئین، جیمز براین، میتنبرگ هنری، ام جیمز رابرت ، (۱۳۷۳)، مدیریت استراتژیک، ترجمه محمدصائبی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۲. مسعودی، اثبات الوصیه، (۱۳۷۳)، چاپ چهارم، نجف، المطبعة الحیدریه.
۲۳. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی، (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة.
۲۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، المؤتمر العالمی لالقیة الشيخ المفید، قم.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مصحح: مؤسسه آل البيت، ناشر: کنگره شیخ مفید.
۲۶. یعقوبی، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب، بیروت، دار صادر.